

نظارت بر قدرت و مکانیسم‌های آن

در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)

شهید سعید کمالی کفراتی *

محسن محمدی الموتی **

چکیده

«قدرت» مقوله‌ای مهم و اساسی در اجتماع انسانی بوده و می‌تواند همانند شمشیر دولبه‌ای، از یک‌سو سعادت‌بخش و فضیلت‌آور و از سوی دیگر به شدت فسادآور باشد. در اندیشه سیاسی امام(ره) «قدرت» مفهومی است دارای منشأ خیر، ولی اینکه در دست چه کسی باشد و برای چه هدفی به کار گرفته شود، به آن ماهیتی متفاوت از منشأ آن می‌دهد. از نظر امام خمینی(ره) برای اینکه «قدرت» از مسیر اصلی خود خارج نشده و نظام، کارویژه خود را به نحو احسن انجام دهد و از دیکتاتوری و فساد جلوگیری شود، نیاز است تا بر «قدرت» نظارت شود. این نظارت به دو شیوه درونی و بیرونی اعمال می‌شود. مکانیسم‌های درونی عبارتند از تزکیه، عدالت و تقوا. مکانیسم‌های بیرونی عبارتند از امر به معروف و نهی از منکر، شورا، نصیحت و قانون. در این پیوند، برخلاف اکثر نظام‌های سیاسی رایج دنیا که عمدتاً به نظارت‌های بیرونی اکتفا می‌کنند؛ حضرت امام(ره) در نظریه خود بر

* دانش‌آموخته دانشکده شهید محلاتی(ره) که در دفاع از حریم اهل‌بیت(ع) در منطقه خان طومان سوریه توسط تروریست‌های تکفیری در اردیبهشت ماه ۱۳۹۵ به فیض شهادت نائل آمد.

** استادیار علوم سیاسی دانشکده شهید محلاتی(ره).

مکانیسم‌های درونی تأکید فراوان داشتند و درخصوص مکانیسم‌های بیرونی نیز به نقش مردم در نظارت بر «قدرت»، اعتقاد راسخ و اساسی داشته و دائماً بر آن تأکید می‌کردند.

کلیدواژگان: قدرت، قدرت سیاسی، امام خمینی(ره)، نظارت.

مقدمه

مبحث «قدرت» یکی از محوری‌ترین مسائل مطرح شده در فلسفه سیاسی و علم سیاست است. بیشتر مباحث علم سیاست به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به موضوع قدرت برمی‌گردد. این موضوع با همه اهمیتی که دارد، همانند شمشیر دولبه‌ای است که هم سعادت‌بخش و فضیلت‌آور است و هم می‌تواند به شدت فسادآور باشد. به عبارت دقیق‌تر، قدرت را نمی‌توان فی‌ذاته شر دانست، بلکه می‌توان آن را خیر نیز تلقی نمود. در سایه قدرت است که نظم برقرار شده و اداره جامعه سامان می‌یابد. همچنین در پرتو آن، خطرات دفع می‌شود و افراد می‌توانند به حق خودشان برسند. از این‌رو، می‌توان گفت که قدرت فی‌ذاته فسادآور نیست، اما باید توجه داشت در وجود انسان‌ها صفاتی نهفته است که در اصطلاح به آنها رذایل گفته می‌شود و برای رشد کردن و قوت گرفتن، نیاز به یک محرک دارد. از قدرت می‌توان به عنوان مهم‌ترین ابزار و عامل محرک بیدار کردن و رشد این صفات نام برد. اگر در یک نظام سیاسی، قدرت به‌دست کسانی بیفتد که آمادگی لازم را برای کنترل خود نداشته باشند و از توانایی لازم برای مهار آن برخوردار نباشند، بدون‌شک قدرت فسادآور خواهد بود.

در طول تاریخ شاهد حکومت‌هایی بوده‌ایم که بر اثر سوءاستفاده از قدرت و فساد صورت‌پذیرفته در آنها، دچار اضمحلال و فروپاشی گردیده‌اند. امام اول شیعیان - امیرالمؤمنین علی(ع) - در این زمینه می‌فرماید: «همانا ملک با کفر باقی می‌ماند ولی با ظلم باقی نمی‌ماند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۴). از این‌رو می‌بایست در هر نظام و جامعه‌ای ساختارها و مکانیسم‌هایی برای کنترل و تحدید قدرت در نظر گرفت تا از پیامدهای سوءاستفاده از قدرت و فساد ناشی از آن جلوگیری نمود. این مهم درباره نظام جمهوری اسلامی ایران از اهمیت و ضرورت فوق‌العاده‌ای برخوردار است؛ چراکه این نظام به‌دنبال پیروزی انقلاب اسلامی مدعی ارائه ساختار بی‌بدیل و نمونه‌ای از یک نظام سیاسی اجتماعی در دنیای معاصر شده است.

ساختار قدرت در نظام جمهوری اسلامی ایران برپایه اندیشه بنیان‌گذار آن، امام خمینی(ره) شکل گرفته و ایشان به‌عنوان نظریه‌پرداز ولایت مطلقه فقیه، موفق به عملی کردن نظریه خویش در قالب این نظام سیاسی شدند. نظریه ایشان از آن جهت که نمونه تازه و بی‌بدیلی از شکل حکومت اسلامی را ارائه نموده مورد توجه واقع شده است؛ از این رو لازم است برای جلوگیری از انحراف آن، به مقوله نظارت بر قدرت توجه ویژه شود.

پژوهش حاضر درصدد است که موضوع قدرت و نظارت بر آن را در اندیشه امام خمینی(ره) واکاوی نموده و به این پرسش اساسی پاسخ دهد که: ابزارها و مکانیسم‌های نظارت بر قدرت سیاسی در اندیشه امام خمینی(ره) چگونه تدوین شده است؟ روش این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی بوده که در مرحله جمع‌آوری اطلاعات به صورت اسنادی و در مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت کیفی، تجزیه و تحلیل خواهد شد.

مفاهیم اصلی

نظارت: «نظارت»، مجموعه عملیاتی است که طی آن میزان تطابق عملکرد افراد با قوانین و مقررات سنجدیده می‌شود (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱، ص ۲۹). «نظارت»، در مقاله حاضر به معنای مجموعه‌ای از ابزارها و مکانیسم‌های مدون و غیرمدون، آشکار و پنهان، رسمی و غیررسمی است که برای جهت‌دهی و جلوگیری از فساد قدرت درون جامعه در نظر گرفته شده، است.

قدرت: «قدرت»، توانایی دارنده آن برای واداشتن دیگران به تسلیم در برابر میل و اراده خود به هر شکلی (خواه اجبار یا با میل پذیرنده آن) است (آشوری، ۱۳۸۸، ص ۲۴۷).

اندیشه سیاسی: «اندیشه سیاسی»، در مقاله حاضر آن دسته از باورهای فلسفی و فقهی است که برگرفته از عقل ناشی از وحی بوده و تمام جوانب مربوط به اداره امور یک کشور چه در بعد داخلی و چه در بعد خارجی را دربر گرفته است.

الف. هستی‌شناسی اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)

۱. نگرش امام خمینی(ره) به جهان هستی

برای مطالعه قدرت در اندیشه امام خمینی(ره)، ابتدا باید به نگرش امام خمینی(ره) به جهان هستی اشاره نمود. امام خمینی(ره)، به‌عنوان یک فقیه، فیلسوف، عارف، و یک سیاستمدار

مسلمان، دارای شخصیتی چندبعدی است که این ابعاد شخصیتی را می‌توان در آثار و بیانات ایشان مشاهده کرد. وجه اشتراک شخصیت امام(ره) در هر بعدی که مورد مطالعه قرار گیرد مسلمان بودن است؛ از این رو نگرشی که امام خمینی(ره) به جهان هستی دارد در قالب اندیشه اسلامی و به‌عنوان یک اندیشمند مسلمان قابل تحلیل است.

نگاه امام خمینی(ره) در قالب یک اندیشمند مسلمان به جهان، براساس تفکر توحیدی ایشان به مبدأ هستی می‌باشد. براین اساس، جهان و تمام هستی دارای آفریننده‌ای است که در آثار امام(ره) از آن با نام‌هایی چون: «مالک‌الملوک» (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۱۱)، «واجب‌الوجود» (همان، ص ۵۹۸)، «حقیقت وجود» (همان، ص ۴۱۶) و... یاد می‌شود. (همان، ص ۱۱ و ۴۱۶ و ۵۹۸). خداوند ازلی و ابدی بوده و بر تمام جهان حکم‌فرمایی دارد. اعتقاد به این آفریننده که مبدأ و مقصد هستی است در تمام اندیشه امام خمینی(ره) به‌عنوان یک متفکر اسلامی ساری و جاری است. به نظر امام خمینی(ره) این اعتقاد یک امر فطری است که بدون استثنا در همه انسان‌ها وجود دارد. ایشان، توحید را از فطریات می‌داند و می‌فرماید: «پس، باید دانست که از فطرت‌های الهی، یک فطرت بر اصل وجود مبدأ، تعالی و تقدس، است و دیگر فطرت بر توحید است» (همان، ص ۱۸۱).

حضرت امام خمینی(ره)، همه انسان‌ها را به‌طور فطری، معتقد به توحید می‌داند. ایشان بیان می‌دارد که انسان‌ها در همه زمینه‌ها طالب کمال هرچیز هستند و به علت اختلاف در کمال‌یابی نمی‌توان گفت که آنها دارای فطرت متفاوت هستند. هرکس کمال را در چیزی می‌بیند؛ فردی در زیبایی، فردی در قدرت، فردی در سلطنت و... و اینها حقیقت ندارد؛ یعنی این‌گونه نیست که فرد در دنیا وقتی به مرتبه‌ای رسید دیگر نخواهد به بالاتر از آن برسد. (همان، ص ۱۸۳-۱۸۲).

۲. تأثیر هستی‌شناسی امام خمینی(ره) بر نگرش ایشان درباره قدرت

همان‌طور که گذشت، امام خمینی(ره) دارای دید توحیدی به جهان هستی بوده و این را از فطریات بشری می‌داند. امام(ره) برای خالق، صفاتی برمی‌شمارد که از جمله آنها: «قدرت» است. «قدرت» از صفات خداوند است؛ عین ذات خداوند و با سایر صفات خداوند دارای وحدت بوده و عین آن صفات می‌باشد. وقتی امام(ره) قدرت را جزء صفات خداوند می‌داند، یعنی دیدی مثبت به قدرت دارند. پس قدرت نیک است. منشأ قدرت از خداوند است و خداوند است که

صاحب قدرت مطلق است؛ در نتیجه «قدرت» در ذات خود خیر است. چون خداوند خیر مطلق و کمال مطلق است و صاحب قدرت کامل است و آن قدرت محض و کامل، سبب سعادت بشر است. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید:

قدرت خودش یک کمال است. خدای تبارک و تعالی قادر است. لکن چنانچه قدرت به دست اشخاص فاسد برسد همین کمال را به فساد می‌کشانند. دنیا امروز گرفتار این است که قدرت در دست اشخاصی است که از انسانیت بهره ندارند... قدرت اگر در دست انسان کامل باشد، کمال برای ملت‌ها ایجاد می‌کند. اگر قدرت در دست انبیا باشد، اولیا باشد، باعث می‌شود که سلامت در جهان تحقق پیدا بکند (همو، ۱۳۷۹، ج ۱۸، ص ۲۰۷-۲۰۶).

از نظر امام (ره) قدرت اصلی در دست خداست، هر قدرتی بدون توجه به خدا هیچ بوده و ارزشی ندارند و در واقع امر قدرت واقعی نخواهند بود. همه قدرت‌ها وابسته به خداوند هستند و بدون وجود خداوند وجود آنها نیز معنا ندارد. امام (ره) در این زمینه می‌فرماید:

خداوندا ... وجود جمیع موجودات در ید قدرت توست و قلوب بندگان در تحت تفوذ اراده تامه تو، ما مالک خود و نفع و ضرر و موت و حیات خویشتن نیستیم، تو قلوب مظلومه و دل‌های با کدورت ما را به نور افاضه خود روشن فرما (همو، ۱۳۸۸، ص ۳۷۷).

امام خمینی (ره) در کتاب شرح دعای سحر، دیدگاه خود در باب قدرت را بیان می‌کند و به خوبی می‌توان مشاهده کرد که این دیدگاه از نوع نگرش ایشان به جهان هستی برخاسته است. در این بیان امام (ره) به اصل وجودی قدرت اشاره می‌کند و می‌فرماید:

القدرة من امهات الصفات الالهيه، و من الائمة السبعة التماهي الحيوة و العلم و الارادة و القدرة و السمع و البصر و التكلم، ولها الحيطة التاجه و الشمول الكلي و ان كانت محتاجة في التحقيق الى الحيوة و العمل و هذا احد مراتب الاستكالة وسعة القدرة؛ قدرت، از امهات صفات الهی است و یکی از ائمه سبعه است که آنها عبارتند از: حیات و علم اراده و قدرت و سمع و بصر و تکلم و قدرت را احاطه تمام و شمولی کلی بر همه موجودات است؛ هرچند در مقام تحقق نیازمند به حیات و علم است و این احاطه تام یکی از مراتب فراگیری و گسترش قدرت است (همو، ۱۳۷۳، ص ۱۶۵).

قدرت، بدون توجه به خداوند معنا و مفهوم خود را از دست می‌دهد و اگر انسان بدون توجه به خداوند، خود را صاحب قدرت بداند ضعیف است. امام (ره) تأکید دارند که باید به قدرت خدا

از کوچک‌ترین امور تا بالاترین امور توجه کنیم. به نظر امام(ره) ما باید خود را به مبدأ هستی و صاحب قدرت برتر، گره بزیم تا به قدرت برسیم. ایشان در این باره می‌فرمایند:

وقتی که مطلب الهی شد، دیگر خوف قدرت‌ها [نیست] هیچ قدرتی مثل قدرت خدا نیست. خوف از قدرت‌ها کسانی باید داشته باشند که اعتقاد به خدای تبارک و تعالی ندارند. مسلمین، مؤمنینی که اعتقاد دارند به مبدأ قدرت اینها از قدرت‌ها نباید بترسند. پیغمبر اکرم(ص) که ایمان به قدرت مطلق خدای تبارک و تعالی داشت، در صورتی که عددشان کم بود، چیزی نبود و فقیر هم بودند، از همین فقیرهای بیچاره بودند، لکن قدرت ایمان داشته و قیام کردند و قدرت‌ها را یکی بعد از دیگری شکستند و همه را دعوت به توحید کردند، توحید را در جامعه رشد دادند (همو، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۳۶).

ب. قدرت از دیدگاه امام خمینی(ره)

به دلیل شخصیت چندبعدی امام خمینی(ره) در حوزه‌های سیاست، فقه، عرفان، فلسفه و کلام، مقوله قدرت نیز به تبع آن از نظرگاه‌های متفاوتی در اندیشه ایشان قابل بررسی است.

۱. دیدگاه عرفانی امام خمینی(ره) درباره قدرت

از این منظر که پیشتر به آن اشاره شد، امام(ره)، قدرت را از صفات خداوند دانسته و غیر از قدرت حضرت حق تعالی هیچ قدرتی را قابل تصور نمی‌داند.

خدای تبارک و تعالی به واسطه احاطه قدرتش در جمیع موجودات و بسط سلطنتش در تمام کائنات و احاطه قیومیتش به کافه ممکنات، تمام قلوب بندگان در تحت تصرف او و به ید قدرت و در قبضه سلطنت اوست (همو، ۱۳۷۸، ص ۴۰-۳۹).

امام(ره) در کتاب **چهل حدیث** چنین آورده است:

خداوند، تو مصلح عباد و [مالک] قلوب هستی، وجود جمیع موجودات در ید قدرت توست و قلوب بندگان در تحت نفوذ اراده کامل تو، ما مالک خود و نفع و ضرر و موت و حیات خویشتن نیستیم... (همو، ۱۳۸۸، ص ۳۷۷).

در این تعبیر از قدرت، همه موجودات در برابر خداوند فقیر محض هستند و هیچ چیز از خود ندارند، همه چیز در دست خداوند است و خداوند تعیین‌کننده همه امور است. تمام قدرت‌ها در برابر قدرت حق تعالی خوار و ذلیل و پست هستند و هیچ چیز از خود ندارند.

«هیچ‌یک از موجودات از خود چیزی ندارند و هیچ قدرت و عزت و سلطنتی نیست مگر در پیشگاه مقدس حق...» (همان، ص ۴۴۴)، «هیچ موجودی از تصرف حق و حیطة تصرف و قدرت آن ذات مقدس خارج نشود و امرش به خودش در تصرف امور موکول نگردد...» (همان، ص ۴۶۴). هستی، یکسره نماد قدرت خداوند است و بدون آن امکان به‌وجود آمدن برای چیزی و امکان موجود بودن بدون قدرت خداوند قابل تصور و تحقق نیست. به فرموده قرآن کریم «لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (حدید، ۲).

۲. دیدگاه فلسفی امام خمینی(ره) درباره قدرت

فلسفه در اینجا همان حکمت است. درواقع امام(ره) به‌عنوان یک حکیم، قدرت را این‌گونه تعریف می‌کند:

«و قدرت در اصطلاح حکیم عبارت از آن است که فاعلی ذاتاً و به‌گونه‌ای است که اگر خواست انجام دهد و اگر خواست انجام ندهد» (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۸). امام خمینی(ره) در ادامه آورده است: «... و آن مشیتی که در قدرت الهی اخذ شده، همان است که به‌حسب حقیقت، عین ذات مقدس است و این مطلب منافاتی با آن ندارد که مشیت در حضرت ربوبی، احدی بوده و تکثری نداشته باشد» (همان). امام(ره) اشاره می‌کند، «خواستن» که در تعریف ذکر شد عین ذات مقدس خداوند است و هیچ تراحمی با صفت اراده خداوند ندارد. با این جمله می‌توان به تفکر امام(ره) پی‌برد که ایشان قائل به وحدت وجود هستند؛ وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت.

۳. دیدگاه کلامی امام خمینی(ره) درباره قدرت

ایشان قدرت از دیدگاه کلامیون را این‌گونه تعریف می‌کند:

«و علی لسان المتکلم صحة الفعل و الترك...» (همان، ص ۱۶۵). و قدرت به اصطلاح متکلم عبارت است از صحت فعل و ترک (یعنی انجام کاری و انجام ندادن آن هر دو صحیح و ممکن باشد)؛ مانند قدرتی که ما در خود مشاهده می‌کنیم که بنابراین همان‌طور که بسط وجود صحیح است قبض وجود نیز صحیح و ممکن خواهد بود (همان، ص ۱۶۹-۱۶۸).

طبق تعریف، صاحب قدرت در آن واحد درمورد یک امر واحد قادر به انجام و یا ترک آن باشد؛ یعنی این قدرت وی به هیچ‌وجه بر امر محال تعلق نمی‌گیرد و به یک امر واقع و ممکن

تقلیل می‌یابد. صاحب قدرت مقید می‌باشد به انجام و ترک عملی؛ پس هردو صورت آن در آن واحد امکان پذیر است. امام(ره) با بیان این تعریف آن را رد می‌کند و اظهار می‌دارد که لازمه این تعریف، هم‌سنخ دانستن خالق و مخلوق و به تعبیر دقیق‌تر تشبیه خالق به مخلوق است در افعال خود و خداوند منزّه از این تشبیه است. امام(ره) می‌فرماید:

و متکلم از آن جهت قدرت را بدین‌گونه معنی نموده که خیال کرده اگر قدرت، آن‌چنان که حکیم معنی کرده است معنا شود، نتیجه‌اش آن است که حق تعالی در افعالش موجب باشد نه مختار... در صورتی که حضرت، منزّه است از آن که افعالش از روی جبر و عدم اختیار باشد. ولی این تنزیه متکلم حق تعالی را، خود عین تشبیه است. از آن جهت او را در افعال به مخلوق تشبیه کرده است؛ زیرا این مخلوق است که اگر صحت فعل و ترک از او سلب شود ناچار اختیار نیز از او گرفته خواهد شد و خداوند از این تشبیه منزّه است... (همان، ص ۱۶۹).

۴. دیدگاه فقهی امام خمینی(ره) در مورد قدرت

نگرش فقهی امام خمینی(ره) در مورد قدرت را باید در لزوم تشکیل حکومت از نظر شارع مقدس در منظر امام جست‌وجو کرد. از نظر امام خمینی(ره)، شارع مقدس احکامی وضع کرده و در فقه مورد بررسی قرار می‌گیرد که بدون قدرت و ضمانت اجرایی فاقد اعتبار هستند. از این‌رو اگر قدرت نباشد قوانین نیز بی‌معنا خواهند شد؛ از منظر فقهی امام(ره) ما به قدرت نیاز داریم تا بتوانیم قوانین و احکامی که شارع مقدس وضع کرده را اجرا کنیم. ایشان هدف از کسب قدرت را از نظر فقهی ابتدائاً اجرای احکام دانسته که نتیجه این اجرای احکام خود ایجاد عدالت و در نهایت کسب سعادت برای انسان‌ها و تمام بشریت است (همان، ص ۲۶-۲۵).

از نظر فقهی قدرت و کسب آن، وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف متعالی است. این مهم در درجه اول مستلزم اجرای احکام اسلامی است تا در پرتو آن اهدافی نظیر ایجاد عدالت، افزایش رفاه، رشد جامعه و رسیدن به سعادت حاصل شود. تمام این اهداف بدون قدرت و تشکیل حکومت بی‌معنا خواهد بود. کسی نمی‌تواند ادعا کند که بدون کسب قدرت بتوان احکام اسلامی را پیاده کرد. از نظر امام(ره) در قرآن، بر کسب قدرت دستور داده شده است «و اعدو الهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل...» (انفال، ۶۰)؛ و این دستور، یعنی کسب قدرت واجب است. امام(ره) حفظ نظام را واجب دانسته و می‌فرماید: «مسئله جمهوری اسلامی... از اهم واجبات عقلی و شرعی است...» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۹، ص ۱۰۶) این یعنی یک حکم فقهی در

باب حفظ قدرت؛ یعنی کسب و حفظ قدرت بر همه مسلمانان واجب است. قدرت از منظر فقهی در مرحله کسب آن، یعنی ایجاد حکومت، واجب کفایی است «اگر فرد لایقی ... به پاخواست و تشکیل حکومت داد ... بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند» (همو، ۱۳۸۸، ص ۵۰).

۵. قدرت سیاسی از منظر امام خمینی (ره)

در باب قدرت سیاسی، مهم‌ترین واژه‌ای که در اندیشه امام (ره) یافت می‌شود «سلطان» است. «سلطان» دارای معانی به‌ظاهر متعدد ولی در باطن واحد است. «سلطان» به‌معنای فرد دارای قدرت و «سلطنت» به‌معنای داشتن قدرت است. به‌عبارت دیگر «سلطنت» به‌کاربردن قدرت توسط سلطان می‌باشد. براساس اندیشه امام (ره)، با توجه به حاکمیت مملکت‌های گوناگون، سلطنت‌ها نیز متنوع می‌باشند. مثلاً ایشان در جایی «سلطنت شیطان» را مطرح می‌کند و آنجایی است که مملکت وجودی تحت سیطره شیطان و جنودش درآید (همو، ۱۳۹۰، ص ۶). در برابر آن «سلطنت عقل و شرع» مطرح است و آن، هنگامی است که مملکت نفس، تحت قوای عقل و شرع باشد (همان). اما یک «سلطنت مطلق» نیز در اندیشه حضرت امام (ره) مطرح است و آن سلطنت خداوند بر همه هستی است که به تعبیر امام (ره) «...به‌واسطه احاطه قدرت‌ش در جمیع موجودات و بسط سلطنتش در تمام کائنات و احاطه قیومیتش در کافه ممکنات، تمام قلوب تحت تصرف او به ید قدرت و در قبضه سلطنت اوست...» (همان، ص ۴۰-۳۹).

تعبیری که ذکر شد نشان داد که «سلطان» به‌طور عام برای تفهیم مفهوم قدرت به‌کارگیری می‌شود اما امام (ره) گاهی نیز «سلطان» را به معنای خاص قدرت سیاسی به‌کار برده‌اند. ایشان در بیان هدف‌های برپایی حکومت اسلامی از زبان امام علی (ع) بیان می‌دارند: «اللهم، إنک تعلم أنه لیمن الذی کان منا منازعة فی سلطان، و لا التماس شیء من فضول الحکام...». حضرت امام در این روایت کلمه «سلطان» را به قدرت سیاسی تعبیر می‌کنند و آن را این‌گونه معنا می‌کنند: «خدا، تو خوب می‌دانی که آنچه از ما سر زده و انجام شده، رقابت برای به‌دست‌گرفتن قدرت سیاسی، یا جست‌وجوی چیزی از اموال ناچیز دنیا نبوده است...» (همو، ۱۳۷۷، ص ۴۵).

در اندیشه امام خمینی (ره) قدرت سیاسی برابر با حکومت و قدرت حاکم تعبیر شده است و ایشان این مفاهیم را مترادف می‌دانند. در جای دیگر امام در بحث اثبات ولایت فقیه به روایتی از پیامبر (ص) اشاره می‌کند که طی آن فقها را امین پیامبران معرفی کرده و از رجوع به علمایی

که وارد دنیا شده‌اند نهی می‌کند و در پاسخ به پرسش کسانی که نشانه وارد شدن به دنیا را می‌پرسند می‌فرماید: «قیل یا رسول‌الله و ما دخولهم فی الدنيا؟ قال: اتباع السلطان...» امام خمینی(ره) در اینجا سلطان را به معنای قدرت حاکمه تعبیر می‌کند. با توجه به نهی پیامبر(ص) از مراجعه به علمایی که از این قدرت حاکم پیروی می‌کنند، می‌توان دریافت این قدرت حاکمه نامشروع است (همان، ص ۵۸).

پس در اندیشه سیاسی امام(ره) «قدرت سیاسی» به سلطان تعبیر شده است که می‌تواند الهی و مشروع و یا غیرالهی و طاغوت باشد. امام(ره) می‌فرماید: «سلطان یعنی؛ سلطه» (همو، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۶۹)، «سلطان» را تعبیر به حکومت و قدرت حاکمه موجود می‌کنند و حکومت شاه را سلطان جائز دانسته و آن را با حکومت یزید مقایسه می‌کنند. ایشان سکوت در برابر سلطان جائز را طبق روایتی از پیامبر(ص)، همکاری با آن سلطان جائز دانسته و حرکت سیدالشهداء را قیام در برابر سلطان جائز دانسته و بیان می‌دارند که ما نیز باید در برابر سلطان جائز (حکومت شاه) قیام کنیم (همان، ص ۴۶۹-۴۶۷).

حضرت امام(ره) قدرت‌های سیاسی ناروا را طرد می‌کند و از آنها با لفظ طاغوت یاد کرده و دستور مبارزه علیه آنها را می‌دهد؛ ایشان می‌فرماید:

برانداختن طاغوت؛ یعنی قدرت‌های سیاسی ناروایی که در سراسر وطن اسلامی برقرار است، وظیفه همه ماست... خداوند متعال در قرآن، اطاعت از «طاغوت» و قدرت‌های ناروای سیاسی را نهی فرموده است و مردمان را به قیام بر ضد سلاطین تشویق کرده است (همو، ۱۳۷۷، ص ۱۳۸).

پ. ضرورت نظارت بر قدرت در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)

«نظارت بر قدرت» یک بحث عقلی است؛ زیرا اگر قدرت مورد کنترل و نظارت قرار نگیرد، تبعات و مفسده‌های بسیاری به‌بار آورده و جوهره وجودی جامعه به تباهی کشیده خواهد شد. در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) و در یک تقسیم‌بندی کلی، ضرورت نظارت بر قدرت در ابعاد فردی و اجتماعی به شرح ذیل است:

۱. بی‌نهایت‌طلبی انسان و لزوم نظارت بر قدرت

از نظر امام خمینی (ره) انسان دارای قوایی به نام‌های واهمه، غضبیه و شهویه است که این قوا سرچشمه تمام ملکات و سیئات و به‌طور کلی نفسانیات انسان هستند. قوایی که خداوند در فطرت انسان به ودیعه نهاده، میل به بی‌نهایت دارند و انسان هیچ‌گاه به آنچه به‌دست می‌آورد اکتفا نمی‌کند.

... کسانی که کمال را در سلطنت و نفوذ قدرت و بسط ملک دانسته‌اند و اشتیاق به آن پیدا کرده‌اند، اگر چنانچه سلطنت یک مملکت را دارا شوند متوجه مملکت دیگر شوند؛ و اگر آن مملکت را در تحت نفوذ و سلطه درآورند، به بالاتر از آن متوجه شوند، ... و اگر تمام روی زمین را در تحت سلطنت بیاورند و احتمال دهند در کرات دیگر بساط سلطنتی هست، قلب آنها متوجه شود که ای کاش ممکن بود پرواز به سوی آن عوالم کنیم و آنها را در تحت سلطنت در آوریم... (همو، ۱۳۹۰، ص ۱۸۳).

بی‌نهایت‌خواهی انسان و وجود قوه‌ای به نام قوه غضبیه در وی، سبب شده که انسان به دنبال قدرت در حد نهایت آن باشد و همان‌طور که امام (ره) در فراز بالا فرمود، با رسیدن به یک سلطنت به سلطنت همسایه چشم می‌دوزد. امام خمینی (ره) در مورد این خاصیت بشر می‌فرماید:

و این بشر یک خاصیت‌هایی دارد که در هیچ موجودی نیست. من جمله این است که در فطرت بشر، طلب قدرت مطلق است، نه قدرت محدود. طلب کمال مطلق است، نه کمال محدود. علم مطلق را می‌خواهد؛ قدرت مطلقه را می‌خواهد. و چون قدرت مطلق در غیر حق تعالی تحقق ندارد، بشر به فطرت، حق را می‌خواهد، و خودش نمی‌فهمد... (همو، ۱۳۸۵، ج ۱۴، ص ۲۰۵).

۲. حب نفس و لزوم نظارت بر قدرت

افزون بر موضوع بی‌نهایت‌خواهی، انسان در ذات خود، یک خود دوستی در برابر دگردوستی دارد. حب نفس نهفته در جان انسان، ممکن است او را به سمت بدی‌ها سوق داده و باعث خودخواهی‌هایی شود که به ضرر همگان است. حب نفس برای انسان بسیار خطرناک است. امام خمینی (ره) در مورد حب نفس و خطر آن می‌فرماید:

... اساس این گرفتاری‌هایی که بشر به آن مبتلا است، از زمان آدم - صلی‌الله - تا امروز و از امروز تا روز حشر، آنکه بشر به آن مبتلاست و اساس تمام فسادها و جنگ‌ها و ظلم‌ها و تعدی‌ها و تجاوزها بر آن محور است، اساسش حب نفس است که شعبه‌هایی از این حب نفس و مظاهری دارد که اگر ملاحظه بفرمایید، این مظاهر که پایه‌اش حب نفس است، بشر را به تباهی کشیده و می‌کشد و انبیا هم برای اصلاح این امر آمده‌اند و مع‌الاسف آن‌طوری که می‌خواستند،

موفق نشده‌اند و گمان ندارم که هیچ‌کس موفق بشود. یک شعبه از این و یک مظهر از این حب نفس، حب ریاست است؛ حب جاه است؛ حب غلبه است (همان، ج ۱۶، ص ۴۵۸).

در میان «حب نفس»، حب به قدرت نهفته است که خطرناک‌ترین عنصر ویرانی‌های تاریخ از منظر امام خمینی (ره) است. حضرت امام (ره) منشأ حب به قدرت و تمام قدرت‌طلبی‌ها در طول تاریخ را «حب نفس» می‌داند و معتقد است حب نفس انسان را دچار قدرت‌طلبی می‌کند. ایشان در این باره می‌فرمایند:

... از اول عالم تا حالا، از این قدرت‌های جابر هرچه به مردم رسیده است، از این حب اشتها، ریاست، حب قدرت و از اینها بوده است که اساسش همان حب نفس است...؛ حب قدرت است که آمریکا را وادار می‌کند که این جنایت‌هایی که در طول تاریخ بی‌سابقه است، انجام بدهد... حب نفس است که کشورهای اسلامی، سران کشورهای اسلامی در مقابل جنایاتی که از این قدرت‌ها واقع می‌شود و از وابستگان آنها واقع می‌شود بی‌تفاوتند. اگر این حب نفس در این سران کشورهای اسلامی نبود و این حب جاه و قدرت نبود؛ با این فجایع که واقع شده است... نمی‌نشسته و تماشا کنند (همان، ص ۴۵۹-۴۵۸).

ت) تشکیل حکومت و لزوم نظارت بر قدرت

فساد و سوءاستفاده از قدرت موجب می‌شود حقوق مردم در حکومت تضییع شده و آزادی‌ها مورد خدشه و تهدید قرار گیرد؛ همچنین عدالت از بین رفته و به‌طور کلی حکومت از آن اهداف و غایاتی که برای آن تعریف شده و قدرت به‌عنوان وسیله رسیدن به آنها در نظر گرفته شده است دور شود. در این پیوند به‌دلیل آنکه نظام اسلامی ایران داعیه‌دار اعاده اسلام راستین است، در صورت سوءاستفاده از قدرت، موجب شکست مکتب اسلام می‌شود. امام خمینی (ره) در مورد خطر شکست مکتب اسلامی که در نتیجه آن شکست انقلاب اسلامی و نظام اسلامی پدید خواهد آمد هشدار داده و اظهار می‌دارد:

... اگر حالا که ما مدعی هستیم که انقلاب اسلامی است و جمهوری اسلامی است و امثال ذلک و ما در این جمهوری اسلامی شکست بخوریم به [این] عنوان، [شکست ما] یعنی شکست مکتب... (همان، ج ۱۱، ص ۴۹۶).

حضرت امام (ره) تأکید می‌کنند که اگر ما انقلاب نمی‌کردیم و به حکومت نمی‌رسیدیم یا اگر انقلاب اسلامی به پیروزی منتهی نمی‌شد، این اشکال نداشت اما حال که انقلاب کردیم و

حکومت تشکیل دادیم نمی‌توانیم شکست بخوریم، چراکه شکست ما یعنی شکست مکتب و این بسیار سنگین و سخت است:

الان ما در یک وضعیتی واقع هستیم که سر دوراهی واقع شده‌ایم که ممکن است خدای ناخواسته ما در مکتب‌مان شکست بخوریم، اگر فرض بکنید که ما در این مبارزه‌ای که ملت با محمدرضا بلکه با همه کشورهایی که با او همراه بودند؛ در این مبارزه ما فرض کنیم که خدای ناخواسته ملت ما شکست خورده بود، این یک شکستی بود که دنبالش باز یک پیروزی بود... [و] خیلی غصه نداشت؛ برای اینکه مکتب‌مان محفوظ بود... (همان، ج ۱۰، ص ۱۰۷)، مصیبت آن است که مکتب شکست بخورد... (همان، ج ۸، ص ۴۷۹).

امام خمینی(ره) از شکست مکتب، بسیار اظهار نگرانی می‌کنند و تأکید می‌کنند که باید از شکست مکتب جلوگیری شود:

آنی که موجب نگرانی بزرگ است این است که ما یک وقتی نهضت‌مان شکست بخورد؛ شکست شخص چیزی نیست... اما نهضت را ما کاری بکنیم که با اعمال ما این نهضت به هم بخورد، این را باید یک کارش بکنیم... (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲، ص ۴۱۷).

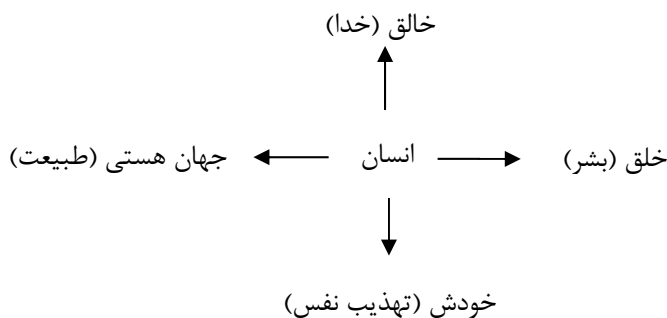
امام خمینی(ره) شکست انقلاب اسلامی ایران و جمهوری اسلامی ایران را شکست اسلام می‌داند و بیان می‌دارد که ما باید نظام را حفظ کنیم و مانع از شکست آن شویم چراکه با شکست ما اسلام تا مدت طولانی نمی‌تواند قد علم کند و رشد پیدا کند (همان، ج ۱۸، ص ۴۷۹)، «[اگر] ما شکست بخوریم در مکتب؛ اسلام دفن [می]‌شود...» (همان، ج ۸، ص ۴۷۹).

از نظر امام خمینی(ره) وجود نظارت بر قدرت امری لازم است و می‌بایست بر قدرت و صاحبان آن در جامعه نظارت وجود داشته باشد تا بتوان به هدف عالی حکومت اسلامی دست یافت.

ث) مکانیسم‌های نظارت بر قدرت از دیدگاه امام خمینی(ره)

همان‌طور که اشاره شد، از آنجا که اندیشه‌های حضرت امام خمینی(ره) منبعث از آموزه‌های دین اسلام می‌باشد، در موضوع سازوکارهای نظارت بر قدرت نیز تأثیرگذاری این آموزه‌ها بر اندیشه‌های ایشان ساری و جاری می‌باشد. حضرت امام خمینی(ره) در آثار و بیانات خود درباره مکانیسم‌های نظارت بر قدرت، به دو دسته مکانیسم‌های درونی و بیرونی اشاره می‌کند. این مسئله متأثر از نگاه اسلام به این مقوله بوده که بر اساس آن تأکید فراوانی بر وجود ارتباط بین درون و بیرون انسان

می‌شود. ارتباطی که اسلام برای انسان در نظر می‌گیرد ارتباطی چهارگانه است. ارتباط با خالق، ارتباط با خلق، ارتباط با جهان هستی و ارتباط با خودش که می‌توان به صورت زیر ترسیم کرد.



همان‌گونه که مشاهده می‌شود ارتباط انسان به صورت دو محور مهم است که انسان در وسط این محور محل اتصال چهار راه حیاتی سرنوشت خویش است. در ادامه به معرفی سازوکارهای نظارت بر قدرت از این منظر می‌پردازیم.

۱. مکانیسم‌های درونی نظارت بر قدرت

مکانیسم‌هایی که از درون، فرد صاحب قدرت را تحت تأثیر قرار می‌دهند مانع می‌شوند که وی از قدرت سوءاستفاده کند ... این مکانیسم‌ها عبارتند از: تزکیه، عدالت و تقوی.

۱-۱. تزکیه

«تزکیه» یکی از اصول اساسی در تربیت اسلامی است که از محورهای ذکر شده عمدتاً محور خدا - انسان - خود را شامل می‌شود. اگرچه این اصل بیشتر برای تربیت افراد و یا همان تربیت فردی است؛ ولی با توجه به اینکه خطر سوءاستفاده از قدرت در افراد صاحب قدرت بیشتر است؛ این اصل برای افراد زمامدار و دارای آن بسیار مؤثر و کارا می‌باشد. حضرت امام خمینی (ره) در کتاب چهل حدیث خود به این مطلب بسیار مهم اشاره می‌کند و آن را شرط اساسی برای تربیت نفس می‌داند. ایشان می‌فرماید: «از اموری که لازم است برای مجاهده، مشارطه و مراقبه و محاسبه است» (ایزدهی، ۱۳۹۰، ص ۲۹-۳۰).

حضرت امام خمینی(ره) محاسبه و مراقبه نفس را سبب خودسازی می‌داند و آن را سبب آمادگی انسان‌ها برای زمامداری عنوان می‌کنند. ایشان در قدم اول برای ایجاد تعادل بین محورهای ذکر شده، به بعد درونی انسان که مطابق محور خدا - انسان - خودش است اشاره می‌کند و توصیه می‌کند که برای زمامداری لازم است که انسان به تزکیه بپردازد و رابطه خود با خدا و رابطه خود با خودش را اصلاح کند ایشان در این باره می‌فرماید:

کسانی که در بشر می‌خواهند زمامداری کنند، اگر بخواهند که طغیان نکنند و کارهای شیطانی نکنند، باید تزکیه کنند خودشان را و این تزکیه برای دولت‌مردان، برای سلاطین، برای رؤسای جمهوری، برای دولت‌ها و برای سردمداران، بیشتر لازم است تا برای مردم عادی (همان، ص ۳۰).

فرد، قبل از اینکه صاحب قدرت شود نیاز به آمادگی دارد و این آمادگی با تزکیه نفس به دست می‌آید. فرد باید نفس خود را تربیت کند و این تربیت جز با اصلاح رابطه خودش با خالق وی امکان‌پذیر نمی‌باشد.

از نظر امام خمینی(ره) تمام مشکلات و گرفتاری‌های بشر، اعم از فسادها، ظلم‌ها، جنگ‌ها و تعدی‌ها ناشی از حب نفس و قدرت و حب جاه و مقام و توجه به مظاهر مادی دنیا می‌باشد (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۶، ص ۴۵۸). با توجه به اینکه منشأ قدرت‌طلبی، خودخواهی و حب نفس است؛ تزکیه و خودسازی می‌تواند زمینه‌هایی را فراهم آورد تا این خصیصه زشت و ناپسند که عواقب ناگواری دارد را در انسان از بین ببرد (ایزدهی، ۱۳۹۰، ص ۳۱).

۲-۱. تقوا

«تقوا» صفت مهمی در انسان است که نقش بسیار مؤثری در شیوه رفتار هر فرد دارد. «تقوا» از نظر اسلام عامل مهم کنترل و نظارت قدرت از درون محسوب می‌شود. از نظر اسلام تمام امور اخلاقی درونی هر فرد وابسته به تقوا می‌باشد؛ همان‌گونه که امیرالمؤمنین علی(ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «التَّقِيُّ رَئِيسُ الْأَخْلَاقِ؛ تقوا در رأس همه ارزش‌های اخلاقی است» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۰).

فرد صاحب قدرت، با دارا بودن این ویژگی، نفس را تحت کنترل خود درآورده و از ارتکاب معصیت، بدی، گناه، ظلم و... دوری می‌جوید. امام خمینی(ره) تقوا را عامل مهمی برای جامعه اسلامی دانسته و در این خصوص می‌فرمایند: «تقوا را، تقوا را، تقوا را نصب عین خود قرار

دهید... مجاهده کنید. تهذیب کنید... همه باید تهذیب کنند خودشان را همه ملت موظفند که نظارت کنند در آن» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۲۷۸).

۳-۱. عدالت

علاوه بر تقوا، عدالت نیز صفت بسیار مهمی است که سبب تحدید قدرت از درون می‌شود؛ حضرت علی (ع) در نهج البلاغه گشایش امور اجتماعی را در عدل معرفی می‌کند و می‌فرماید: «... فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً... همانا در عدالت گشایش برای عموم است...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶).

طبق نظر امام خمینی (ره) در اسلام اساس تمام مسئولیت‌ها، عدالت می‌باشد و همگان باید دارای عدالت باشند تا از نظر شرعی دارای اعتبار باشند:

اسلام، خدایش عادل است؛ پیغمبرش هم عادل است و معصوم، امامش هم عادل است و معصوم، قاضی‌اش هم معتبر است که عادل باشد، فقیهش هم معتبر است که عادل باشد... از ذات مقدس کبریایی گرفته تا آخر، زمامدار باید عادل باشد؛ ولات آن هم باید عادل باشد (فلاحزاده، ۱۳۷۸، ش ۴).

حضرت امام خمینی (ره) از صفات زمامدار به عدالت اشاره می‌کند؛ زمامدار به‌عنوان کسی که قدرت را در دست دارد باید عدالت داشته باشد تا ستم نکند، تعدی و ظلم نکند، بیت‌المال را حفظ کند. ایشان در این باره می‌فرماید:

زمامدار بایستی از کمال اعتقادی و اخلاقی برخوردار و عادل باشد و دامنش به معاصی آلوده نباشد. کسی که می‌خواهد «حدود» جاری کند، یعنی قانون جزای اسلام را به مورد اجرا گذارد، متصدی بیت‌المال و خرج و دخل مملکت شود و خداوند اختیار اداره بندگانش را به او بدهد، باید معصیت کار نباشد: «قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ». خداوند تبارک و تعالی به جائر چنین اختیاری نمی‌دهد. زمامدار اگر عادل نباشد در دادن حقوق مسلمین، اخذ مالیات‌ها و صرف صحیح آن و اجرای قانون جزا، عادلانه رفتار نخواهد کرد و ممکن است اعوان و انصار و نزدیکان خود را بر جامعه تحمیل نماید و بیت‌المال مسلمین را صرف اغراض شخصی و هوسرانی خویش کند (امام خمینی، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۴۹).

۲. مکانیسم‌های بیرونی نظارت بر قدرت

آنچه در باب نظارت درونی بر قدرت و مکانیسم‌های آن بیان شد یک محور از رابطه انسان را سامان می‌بخشد. علاوه بر آن می‌بایست محور دیگر یعنی طبیعت (جهان هستی) - انسان - بشر

جامعه) نیز سامان بخشیده شود. مکانیسم‌هایی که برای تحدید قدرت در این قسمت از اندیشه امام(ره) استخراج می‌شوند عبارتند از: امر به معروف و نهی از منکر، شورا، قانون، شریعت و نصیحت.

۲-۱. امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از فروع و جزء مهم‌ترین دستورات دین اسلام و از سازوکارهای مهم و اساسی در تحدید قدرت است. این اصل به معنای آن است که همگان حق دخالت در امور جامعه را داشته و در برابر ناهنجاری‌های اجتماعی ایستادگی کرده و انحراف‌ها را اصلاح می‌کنند. این امر متوقف به عده‌ای اندک نیست بلکه برای همگان تعریف شده است (ایزدهی، ۱۳۹۰، ش ۶۰-۵۹).

امام خمینی(ره) در کتاب **تحریر الوسیله** بر این فریضه مهم تأکید و آن را بسیار مهم دانسته و برای بیان اهمیت آن به آیات و احادیثی در این باب اشاره می‌کند. از جمله آنها، روایاتی از پیامبر(ص) است که می‌فرمایند: «هنگامی که امت من امر به معروف و نهی از منکر را به یکدیگر واگذار کرده و ترک کنند، به عذاب الهی گرفتار خواهند شد» (همان، ص ۳۷).
محدوده این فریضه کل اجتماع را دربرمی‌گیرد و شامل حاکمان، زمامداران و صاحبان قدرت نیز می‌شود. حضرت امام خمینی(ره) معتقد بود که محدوده این اصل را نمی‌توان به امور جزئی محدود کرد؛ بلکه از فواید زیاد این اصل و غایت آن تحدید و کنترل حاکمان و زمامداران می‌باشد (همان، ص ۳۸-۳۷).

امام خمینی(ره) امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه همگانی دانسته و آن را مکانیسمی قوی در نظارت و تحدید قدرت قلمداد کرده و در این باره می‌فرمایند:

همه ملت پاسدار اسلام باید باشند؛ کُلُّكُمْ رَاعٍ، همه باید مراعات کنند. همه‌تان «راعی» هستید، همه مردم و همه هم مسئول هستند ... مسئولیم در مقابل خداوند در مقابل وجدان و همه‌مان باید مراعات بکنیم؛ یعنی نه اینکه خودمان را، من مراعات همه شما را بکنم؛ شما هم هر یک مراعات همه را یک همچو برنامه‌ای است که همه را وادار کرده که به همه «چرا» بگوییم، همه را، به هر فردی، لازم کرده به اینکه امر به معروف کند. اگر یک فرد، خیلی به نظر مردم مثلاً پایین [است] یک فردی که به نظر مردم خیلی اعلا رتبه هم هست، اگر از او یک انحرافی دیده

بیاید؛ اسلام گفته برو به او بگو نکن! بایست در مقابلش بگو این کارت انحراف بود نکن (امام

خمینی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۱-۱۱۰).

حضرت امام خمینی (ره) در مورد اینکه امر به معروف و نهی از منکر مهم‌ترین مورد نظارتی بر صاحبان قدرت تلقی می‌شود و این نظارت شامل بالاترین فرد از نظر تصاحب قدرت نیز می‌شود می‌فرماید: «اگر من پاپم را کج گذاشتم، شما مسئولید، اگر نگویید که چرا پایت را کج گذاشتی، باید هجوم کنید، نهی کنید که چرا؟» (فلاح‌زاده، ۱۳۷۸، ش ۴).

همچنین ایشان لازمه احیای اصل امر به معروف و نهی از منکر را وجود نظارت مردم بر کل امور جامعه دانسته و در این باره می‌فرماید:

... همه اجزای مملکت باید نظارت در امور بکنند که نتوانند شیاطین باز رخنه بکنند. در [ادارات] دولتی اشخاص که رفت‌وآمد می‌کنند، اینها باید نظارت در کارهای آنها بکنند؛ یعنی مثل سمت بازرسی و تفتیش و این‌طور چیزها که اگر خطایی اینها می‌کنند، ... خیانتی می‌کنند، به دستگاه قضایی اطلاع بدهند تا اینکه آنها تعقیب بکنند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۵۲۴).

۲-۲. شورا

چون قدرت در نظام اسلامی، همواره با مشورت با سایرین و به‌صورت اجماع اطلاعاتی از نظر دیگران و سرانجام با تصمیم‌گیری واحد بر اساس اتفاق نظر اعمال می‌شود؛ یکی از راه‌حل‌های تحدید قدرت و نظارت بر آن، شورا می‌باشد. از طریق شورا و مشورت نظرات گوناگون پیرامون یک مسئله اعلام شده، آن مسئله مورد ارزیابی قرار گرفته، جوانب مختلف آن مورد بررسی قرار می‌گیرد و بهترین تصمیم درباره آن اتخاذ می‌شود (محمدی، ۱۳۸۱، ش ۱۹).

از طرفی رعایت مصلحت مسلمین در امور جاریه نظام اسلامی بر تمامی عوامل حکومتی اسلامی واجب می‌باشد و بهترین مصلحت‌ها از طریق مشورت تعیین می‌شود و در هر بخش و قسمت باید به متخصص همان بخش مراجعه کرد. این موضوع، یعنی مشورت گرفتن از متخصصین هر امر در موضوع مورد نظر، یک بحث عقلی و مورد قبول عقلا است (ارسطا، ۱۳۷۸، ش ۴).

خداوند در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران می‌فرماید:

«وَسَاوِرُهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ؛ و در کارها با آنها مشورت

کن زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست دارد» (آل عمران، ۱۵۹).

در این آیه، خداوند به پیامبر(ص) دستور می‌دهد که با مؤمنین مشورت کند؛ اگرچه تصمیم نهایی با پیامبر(ص) است اما قرآن دستور می‌دهد که در تصمیم‌گیری از نظر دیگران استفاده شود چراکه هرکس جنبه‌ای از موضوع را می‌نگرد و برای بررسی تمام جوانب امر باید همه نظرات مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت یک جمع‌بندی به‌دست آید (ارسطا، ۱۳۷۸، ش ۴). حضرت علی(ع) نیز در سیره عملی خودشان به مشورت گرفتن بسیار اهمیت داده و به دیگران توصیه می‌کردند به اینکه با حاکم مشورت کنند و وی را به‌درستی راهنمایی کنند و خودرأیی را زشت و ناپسند می‌دانستند (ایزدهی، ۱۳۹۰، ش ۶۰-۵۹). ایشان در خطبه ۲۱۶ می‌فرماید:

گفت‌وگویتان با من مانند گفت‌وگو با جباران روزگار نباشد... گمان مبرید هنگامی که سخن حق به من گفته شود، برای من سنگینی خواهد کرد و یا اینکه خودم را از آن حق بالاتر قرار خواهم داد؛ زیرا کسی که شنیدن سخن حق یا نشان دادن عدالت برای او سنگینی کند، عمل به حق و عدالت برایش سنگین‌تر خواهد بود. در برابر من از گفتن حق و مشورت از روی عدالت خودداری نکنید (همان، ص ۳۳).

ایشان در جایی دیگر می‌فرماید: «هرکس خودرأی شد به هلاکت رسید و هرکس با دیگران مشورت کرد، در عقل‌های آنان شریک شد» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۶۱). بر این اساس امام خمینی (ره) شورا و مشورت را امری عاقلانه قلمداد کرده و مخالفت با آنچه از مشورت با عنوان تصمیم‌استنتاج می‌شود را مخالفت با اسلام، دموکراسی و مصالح کشور اعلام می‌دارند. ایشان مشورت زمامداران با مردم و نمایندگان آنها را ضروری می‌دانند.

ایشان با تأکید فراوان بر نهاد مجلس و عملکرد آن، از این نهاد می‌خواهند که از کارشناسان متعهد برای استفاده از نظرات آنها در تصمیم‌گیری مشورت بگیرند و نظر کارشناسان در موضوع مشورت را (در موضوعات مختص به حوزه تخصصی آنها) دارای جهت شرعی دانسته و می‌فرماید:

مجلس محترم شورای اسلامی که در رأس همه نهادهاست، در عین حال که از اشخاص عالم و متفکر و تحصیل‌کرده برخوردار است، خوب است در موارد لزوم از دوستان متعهد و صاحب‌نظر خود در کمیسیون‌ها دعوت کنند؛ که با برخورد نظرها و افکار، کارها سریع‌تر و محکم‌تر انجام می‌گیرد و از کارشناسان متعهد و متدین در تشخیص موضوعات برای احکام ثانویه اسلام نظرخواهی شود که کارها به‌نحو شایسته انجام شود... (ایزدهی، ۱۳۹۰، شماره ۶۰-۵۹).

۲-۳. قانون

«قانون» مهم‌ترین رکن در اسلام است که همگان تابع محض قوانین تشریح شده به‌دست شارع مقدس می‌باشند. شاید به جرئت بتوان گفت مهم‌ترین عنصر نظارتی و تحدید قدرت، قانون است. قانون حد و حدود اختیار استفاده از قدرت و میزان آن را مشخص و بر اساس آن نحوه اعمال آن را تعیین می‌کند. بر این اساس می‌توان گفت «قانون» منبع اصلی ایجاد و توزیع قدرت می‌باشد؛ به‌طوری‌که در نظر امام خمینی(ره) حکومت اسلامی به‌معنای تبعیت و پیروی از قانون است:

باری، حکومت در اسلام به مفهوم تبعیت از قانون است و فقط قانون بر جامعه حکم‌فرمایی دارد. آنجا هم که اختیارات محدودی به رسول اکرم(ص) و ولایت داده شده، از طرف خداوند است. حضرت رسول(ص) هر وقت مطلبی را بیان یا حکمی را ابلاغ کردند، به پیروی از قانون الهی بوده است؛ قانون که همه بدون استثنا بایستی از آن پیروی و تبعیت کنند حکم الهی برای رئیس و مرئوس منبع است. یگانه حکم و قانونی که برای مردم متبع و لازم‌الاجراست، همان حکم و قانون خداست. تبعیت از رسول اکرم(ص) هم به حکم خداست که می‌فرماید: «و اطیعوا الرسول» (از پیامبر(ص) پیروی کنید). پیروی متصدیان حکومت یا «اولوالامر» نیز به حکم الهی است... رأی اشخاص، حتی رأی رسول اکرم(ص) در حکومت قانون الهی هیچ‌گونه دخالتی ندارد؛ همه تابع اراده الهی هستند (امام خمینی، ۱۳۷۷، ص ۴۵).

از نظر امام خمینی(ره) عدم تبعیت و رعایت قانون سبب مصیبت‌زدگی جامعه و تباهی آن می‌شود و در درجه اول زمامداران باید خود را مقید به قانون بدانند و همواره از قوانین تبعیت کنند. این اصل، اصل اساسی در تحدید قدرت در جامعه است که قدرت را در حدود حصر محدوده‌ای خاص که قانون تعیین می‌کند درمی‌آورد. وقتی فرد، مقید به قوانین شد فراتر از آن، حق حرکت و اعمال قدرت ندارد. حضرت امام خمینی(ره) در مورد دوران پهلوی و عدم رعایت قانون می‌فرماید:

همه مصیبت‌هایی که در این سال‌ها [دوران پهلوی] واقع شده است برای این بوده است که دستگاه‌ها سرخود بوده‌اند. از آن دستگاه اول گرفته، آن شخص که به اسم شاه در این مملکت حکومت کرده، سرخود حکومت کرده، مقید به قوانین نبوده، وقتی که این سرخود حرکت کرده، کسانی که دنبال او هستند از او یاد می‌گیرند، اینها هم سرخود می‌شوند (همو، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۵۲۶).

ایشان در مورد لزوم تبعیت از قانون می‌فرمایند:

«لازم است همه به‌طور اکید به مصالح اسلام و مسلمین توجه کنند و به قوانین، هرچند مخالف نظر و سلیقه شخصی مان باشد احترام بگذاریم...» (همو، ۱۳۸۵، ج ۱۸، ۴۳۱).

امام خمینی (ره) شرط لازم برای زمامداری را تبعیت از قوانین اسلامی می‌داند و از شرایطی که برای زمامدار برمی‌شمرد علم به قوانین است «چون حکومت اسلام حکومت قانون است، برای زمامدار علم به قوانین لازم می‌باشد... نه فقط برای زمامدار، بلکه برای همه افراد، هر شغل یا وظیفه یا مقامی داشته باشند، چنین علمی ضرورت دارد» (همو، ۱۳۷۷، ص ۴۸).

ایشان بر تبعیت از قانون تأکید کرده و می‌فرمایند:

اگر آن کسی که در رأس حکومت است، مثلاً رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر خودش را اصلاح نکند و خودش تابع قوانین اسلام نباشد و قوانین اسلام را در مملکت اجرا نکند، چنین شخصی نمی‌تواند در رأس حکومت اسلامی و حاکم اسلام باشد (فلاح زاده، ۱۳۷۸، ش ۴).

۴-۲. نصیحت

پیامبر (ص) در حدیثی می‌فرماید:

ثَلَاثٌ لَا يَغُلُّ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ إِمْرٍ مُسْلِمٍ: إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ وَالنَّصِيحَةُ لِأَمِّهِ الْمُسْلِمِينَ وَاللِّزُومُ لِجَمَاعَتِهِمْ؛ در سه چیز است که کینه آنها در دل مؤمن جا نمی‌گیرد: اخلاص در کارها برای خداوند، خیرخواهی برای پیشوایان مسلمان و پایبندی به جامعه اسلامی (محمدی، ۱۳۸۱، ش ۱۹).

در خطبه ۳۴ نهج‌البلاغه می‌خوانیم که مولای متقیان، امیرالمؤمنین علی (ع)، حقوق متقابلی برای مردم و رهبری قائل شده و در مورد حقوق رهبر بر مردم می‌فرماید: «و اما حق من بر شما این است به بیعت با من وفادار باشید، و در آشکار و نهان برایم خیرخواهی کنید، هرگاه شما را فراخواندم اجابت نمایید و فرمان دادم اطاعت کنید» (نهج‌البلاغه، خطبه ۳۴).

حضرت علی (ع) نصیحت را حق متقابل حاکم و مردم نسبت به همدیگر می‌داند و مردم را دعوت می‌کند که عملکرد حکومت را تحت نظر قرار داده و نقدهای وارده به آن را بیان کنند؛ زمامداران و پیشوایان را نصیحت کند و این امر را برای مردم یک تکلیف الهی قلمداد می‌کند. ایشان می‌فرماید: «مرا با نصیحت عاری از شک و بری از غش یاری کنید». ایشان در جای دیگر

می‌فرماید: «من به ارزش اطاعت‌گران و جایگاه نصیحت‌کنندگان از شما واقفم» (محمدی، ۱۳۸۱، ش ۱۹).

حضرت امام خمینی(ره) نیز به تأسی از مولای متقیان، انتقاد خیرخواهانه مردم از حاکمان و دستگاه حکومتی را حق مردم دانسته و بر آن تأکید فراوان می‌کند. ایشان منتقدان را دعوت به انتقاد به قصد اصلاح و به صورت برادرانه از مسئولان جامعه می‌کند. ایشان از انتقاد و بیان نقاط ضعف به هدف انتقام نهی می‌کند (ایزدهی، ۱۳۹۰، شماره ۶۰-۵۹، ص ۴۱-۴۰).

امام(ره) در مورد نظارت مردم از باب نصیحت و انتقاد از عملکرد زمامدار می‌فرماید:

... همه ملت موظفند که نظارت کنند؛ بر این امور نظارت کنند؛ اگر من یک پایم را کنار

گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است که بگوید پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن.

مسئله، مسئله مهمی است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۸، ص ۵).

ایشان با استفاده از روایت «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ...» به نصیحت نسبت به دستگاه

حکومتی توصیه کرده و می‌فرماید:

الان مکلفیم ما، مسئولیم همه‌مان، همه‌مان مسئولیم، نه مسئول برای کار خودمان، مسئول

کارهای دیگران هم هستیم؛ «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنِ رَعِيَّتِهِ» همه باید نسبت به هم

رعایت بکنید. همه باید نسبت به دیگران. مسئولیت من هم گردن شماست؛ شما هم گردن من

است(همان، ص ۴۸۷).

ایشان در جای دیگری می‌فرماید: «همه جاهایی که یک عضوی از اعضای ادارات دولتی یا

دولت، عضوی از اعضای دولت تکفل می‌کنند، مردم موظفند که نظارت کنند در آن» (همو،

۱۳۷۹، ج ۵، ص ۵۲۶)؛ در صورت ایجاد انحراف مردم باید با آن یا به شیوه امر به معروف و نهی از

منکر و یا در قالب نصیحة الائمة المسلمین مبارزه کنند:

و آن روزی که دیدید و دیدند که انحراف در مجلس پیدا شد، انحراف از حیث قدرت‌طلبی و از

حیث مال‌طلبی، در کشور، در وزیرها پیدا شد، در رئیس‌جمهور پیدا شد، آن روز بدانند علامت

اینکه شکست بخوریم، خودنمایی کرده است؛ از آن وقت باید جلوی او را بگیرند. رئیس‌جمهور که

بخوهد سلطنت کند به این مملکت، خود مردم باید جلوی او را بگیرند. مجلسی که می‌خواهد

قدرتمندی نشان بدهد و آن مسائلی که سابق، آن افرادی که سابق در مجلس بودند آن کارها را

بکنند، خود مردم باید جلوی او را بگیرند، اگر مردم بخوانند که اسلام را حفظ کنند، جمهوری

اسلامی را حفظ کنند، دولت و مجلس و رئیس‌جمهور و اینها را حفظشان کنند... (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۶، ص ۲۳).

نتیجه

پژوهش حاضر درصدد بود که موضوع «قدرت» و نظارت بر آن را در اندیشه امام خمینی(ره) واکاوی نموده و به این پرسش اساسی پاسخ دهد که: در دستگاه اندیشه امام خمینی(ره) چه مکانیسم‌هایی برای نظارت بر قدرت وجود دارد؟

بررسی آثار و بیانات امام راحل(ره) نشان داد که اگرچه از نظر ایشان قدرت دارای منشأ خیر می‌باشد اما اگر قدرت در دست انسان‌های غیرمعصومی قرار گیرد که نظارتی بر آنها نباشد به امری خطرناک تبدیل خواهد شد. بنابراین از نظر امام خمینی(ره) می‌بایست بر قدرت، نظارت حکم‌فرما باشد تا قدرت به فساد منجر نشود و در مسیر حقیقیه خود قرار بگیرد.

ایشان مکانیسم‌هایی را برای نظارت بر قدرت در نظر داشتند که با مطالعه آثارشان می‌توان آنها را به دو دسته: مکانیسم‌های درونی و مکانیسم‌های بیرونی تقسیم نمود. در بخش مکانیسم‌های درونی حضرت امام(ره) به تزکیه، عدالت و تقوی اشاره کرده و آنها را عواملی می‌دانند که فرد زمامدار را مورد کنترل قرار داده و وی را از فساد باز می‌دارد.

در بحث مکانیسم‌های بیرونی ایشان به امر به معروف و نهی از منکر، شورا، نصیحت و قانون اشاره کرده و بر نقش مردم در این راستا تأکید فراوان می‌کنند.

نتایج این تحقیق را می‌توان مقدمه‌ای برای ورود به مبحث قدرت در اندیشه امام(ره) دانست و پژوهشگران می‌توانند عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب را در عمل با آنچه در نظر آمده است تطبیق داده و مورد بررسی قرار دهند.

پژوهشگران علاقمند می‌توانند جمهوری اسلامی ایران را در مقوله نظارت بر قدرت مورد بررسی و آسیب‌شناسی قرار داده و انحرافات موجود را شناسایی کرده و برای اصلاح امور راه‌حل ارائه دهند.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- نهج‌البلاغه، گردآورنده سید رضی، ترجمه محمد دشتی، چ ۲، قم: مشرقین، ۱۳۷۹.

- آشوری، داریوش، **دانشنامه سیاسی**، چ ۱۷، تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۸۸.
- اخوان کاظمی، بهرام، **نظارت در نظام اسلامی**، تهران: انتشارات پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱.
- ارسطو، محمدجواد، «مجلس خبرگان از دیدگاه نظریه ولایت فقیه»، **فصلنامه حکومت اسلامی**، شماره ۸، ۱۳۷۷.
- _____، «مهار درونی قدرت رهبری در حقوق اساسی»، **فصلنامه حکومت اسلامی**، شماره ۳۳، ۱۳۸۳.
- _____، «نگاهی به مبانی فقهی شورا»، **فصلنامه علوم سیاسی**، شماره ۴، ۱۳۷۸.
- **امام خمینی(ره) و حکومت اسلامی پیشینه و دلایل ولایت فقیه**، بی جا: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۸.
- **امام خمینی(ره) و حکومت اسلامی فلسفه سیاسی**، دو جلد، بی جا: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۸.
- **امام خمینی(ره)، شرح چهل حدیث**، چ ۴۸، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۸۸.
- _____، **شرح چهل حدیث**، چ ۵۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۹۰.
- _____، **شرح حدیث جنود عقل و جهل**، چ ۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۷.
- _____، **شرح حدیث جنود عقل و جهل**، چ ۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۸۰.
- _____، **شرح دعای سحر**، ترجمه احمد فهری، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳.
- _____، **صحیفه امام**، چ ۴، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۸۵.
- _____، **صحیفه امام**، چ ۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۹.
- _____، **کوثر، مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی(ره) همراه با شرح وقایع انقلاب اسلامی**، ج ۲، بی جا، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۱.
- _____، **کوثر، مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی همراه با شرح وقایع انقلاب اسلامی**، ج ۳، بی جا، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۳.

- _____ ، **ولایت فقیه (حکومت اسلامی)**، چ ۱۷، بی‌جا: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۸۸.
- _____ ، **ولایت فقیه (حکومت اسلامی)**، چ ۷، بی‌جا: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۷.
- ایزدهی، سید سجاد، **نظارت بر قدرت در فقه سیاسی**، چ ۲، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹.
- _____ ، «امام خمینی(ره) و مسئله نظارت و تحدید قدرت سیاسی»، **فصلنامه کتاب نقد**، سال سیزدهم، شماره ۶۰-۵۹، ۱۳۹۰.
- فلاح‌زاده، علی، «کنترل قدرت سیاسی از دیدگاه امام خمینی(ره)»، **فصلنامه علوم سیاسی**، شماره ۴، ۱۳۷۸.
- محمدی، عبدالعلی، «نقدپذیری حکومت و انتقادورزی جامعه در نگرش دینی»، **فصلنامه علوم سیاسی**، شماره ۱۹، ۱۳۸۱.

انلیشنا ولایت